

منش فهرمانان در گرشاسنامه



خداداد معتمد کیانی
دانشجوی کارشناسی
ارشد زبان و ادب فارسی
و دبیر دبیرستان‌ها و
مراکز پیش‌دانشگاهی
باغملک خوزستان

تحلیل، منش، حماسه، پهلوانان، گرشاسنامه، شاهنامه
می‌تواند چه‌سرهٔ قهرمانان دو اثر را بهتر نشان دهد.
گر شامس‌نامه و مقایسهٔ آن با بعضی از پهلوانان شاهنامه
منش‌های عالی انسانی و رذیلت‌های اخلاقی قهرمانان
فرهنگ دیرین ایران زمین را بازگو کند و نقاب از چهرهٔ
اخلاقی و غیر اخلاقی آنها بردارد. همچنین مقایسهٔ
تفاوت‌ها و شباهت‌های منش‌های قهرمانان و پهلوانان و بیان
تجزیه و تحلیل رفتارها، کردارها، عقاید، پهلوانان و پهلوانان و بیان

کلید واژه‌ها:

۴۲

رشد آموزش زبان و ادب فارسی
شماره ۱ / پاییز ۱۳۹۱

مقدمه

آثار حماسی ایران از دیرباز در فراز و فرود تاریخ، همواره تجلی‌گاه دلاوری‌ها، مردانگی‌های پهلوانان و آینه تمام‌نمای اندیشه‌ها و افکار قهرمانان است و منش‌های اخلاقی و غیراخلاقی آنها را با همه تضادها، به نمایش می‌گذارد. در این رهگذر، شاهنامه فردوسی به عنوان اثری بی‌بدیل، بر بلندای تاریخ ایران، خودنمایی می‌کند و آثار حماسی تالی شاهنامه نیز رفتار، کردار و عقاید پیشینیان را در قالب زبان حماسی بیان می‌کنند. با توجه به اینکه توجه محققان و ادب‌شناسان بیشتر به شاهنامه معطوف شده است، پرداختن به شناخت منش‌های پهلوانان در آثار حماسی پس از شاهنامه ضروری می‌نماید. نگارنده، حاصل مطالعات خود را در زمینه تحلیل منش‌های پهلوانان در گرشاسب‌نامه و مقایسه آن با بعضی از پهلوانان شاهنامه در این مقاله ارائه می‌دهد.

گرشاسب‌نامه

حکیم ابونصر علی بن احمد طوسی از شاعران بزرگ قرن پنجم و از جمله حماسه‌سرایان ایران است. درباره آغاز زندگی وی اطلاع دقیقی در دست نیست. مولد و موطن او به اتفاق نظر تذکره‌نویسان و به استناد گفته‌هایش در مقدمه «گرشاسب‌نامه»، شهر طوس بوده است. «دوره بلوغ او در شاعری مصادف بود با انقلابات خراسان و غلبه سلاجقه بر آن دیار و بر افتادن حکومت غزنویان از آن سامان و چون اسدی محیط مساعدی در چنین وضع نابسامان برای شاعری نمی‌یافت، ناگزیر خراسان را ترک گفت و از مشرق به مغرب ایران روی نهاد و بار اقامت در آذربایجان افگند» (صفا، ۱۳۸۵: ۴۰۵).

وی به دربار ابودلف، حکمران نخجوان رفت. اسدی نزد این حکمران فرهنگ‌دوست، محترم و بزرگ می‌زیست و به تشویق او گرشاسب‌نامه را به نظم درآورد. نظم کتاب، در سال ۴۵۸ به پایان رسید. «ممدوحان او علاوه بر امیر ابودلف امیراجل، شجاع‌الدوله ابوشجاع منوچهر بن شاور، از پادشاهان شدادی بود» (همان: ۴۰۶). جذاییت و احساسات گرم ملی و میهنی را که در شاهنامه مشاهده می‌شود، در گرشاسب‌نامه نمی‌بینیم. «فراط اسدی در تصویر، به ویژه تصویرهای تشبیهی و استعاری، فضای شعر او را از حماسه دور نگه می‌دارد و این تراجم تصویرها، در جای جای گرشاسب‌نامه محسوس است... وی توجه نسبتاً زیادی به تصاویر انتزاعی دارد و این تصاویر انتزاعی با شعر حماسی سازگار نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۶۱۸).

موضوع گرشاسب‌نامه

گرشاسب‌نامه منظومه‌ای حماسی است که حکیم اسدی طوسی، در آن شرح جنگاوری‌ها و دلاوری‌های گرشاسب را به نظم کشیده است.

این منظومه، صرف‌نظر از اینکه یک اثر حماسی است، پندهای اخلاقی، تربیتی و اجتماعی بسیاری در خود دارد و نویسنده آن از نکات فلسفی و مذهبی نیز ضمن حماسه یاد می‌کند. اسدی طوسی به دلیل علاقه‌ای که به حماسه گرشاسب دارد، به شرح زندگی و جنگ‌های این قهرمان اسطوره‌ای پرداخته است. حماسه، از ماجرای گریختن جمشید به زابلستان و عاشق شدن دختر گورنگ پادشاه زابلستان و ازدواج جمشید با او حکایت دارد. جمشید، صاحب فرزندی می‌شود که او را تور می‌نامد. پس از مدتی، ضحاک از مخفیگاه جمشید آگاه می‌شود. وی، ابتدا به هند و سپس به چین می‌گریزد و سرانجام، ضحاک در چین او را با اره به دو نیم می‌کند.

جوانی گرشاسب با پادشاهی ضحاک، مصادف است. قسمت اعظم زندگی این قهرمان در خدمتگزاری ضحاک سپری می‌شود. قسمتی از منظومه، شرح دیدار گرشاسب با برهمن در کوه دهبو است. گرشاسب، در مورد هستی کردگار، علت خلقت جهان، سپهر و ستارگان از او می‌پرسد. وصف دختر قیصر روم، قهرمان حماسه را دل‌باخته می‌سازد. پس او رهسپار سرزمین روم می‌شود و در آنجا با دختر قیصر ازدواج می‌کند. پس از مدتی فریدون قیام می‌کند و به حکومت ضحاک خاتمه می‌دهد و خود، پادشاه ایران می‌شود. گرشاسب هم به عنوان جهان پهلوان، در دربار فریدون، کمر به خدمت می‌بندد. حیات پهلوانی وی پس از هفتصد و سی و سه سال خاتمه می‌یابد و او چهره در نقاب خاک می‌کشد.

تحلیل منش‌های قهرمانان گرشاسب‌نامه

حکیم اسدی طوسی، گرشاسب را فرزند اثرط، فرزند شم، فرزند طورگ، فرزند شیدسپ، فرزند تور، فرزند جمشید، معرفی می‌کند. در اوستا «کِراسپ» به معنی دارنده اسب لاغر و یکی از نامدارترین چهره‌ها در اساطیر ایران است. در یسنه «ثریت» پدر گرشاسب از خاندان «سام» سومین کسی از مردمان است که نوشابه آیینی «هوم» را آماده می‌کند و به پادشاه این کار ورجاوند دو پسر (گرشاسب و برادرش اورواخشیه) بدو داده می‌شود» (دوستخواه، ۱۳۸۶: ۱۰۴۲/۲).

اسدی، قهرمان کتاب خود را پهلوانی کامل معرفی می‌کند و از هر عیبی پاک و مبرا می‌داند. «در کتاب‌های مذهبی باستانی، گرشاسب، پهلوان مغلوب نشدنی و زنده جاوید و از یاران موعود زرتشتی است و حکیم اسدی، نظر به همین روایات، گرشاسب را فرد کامل معرفی می‌کند» (اسدی، ۱۳۸۶: ۷).

او قهرمان کتاب خود را از نظر دانش و فرهنگ، گردن‌فرازی و رزم، مهر دل و کین، از قهرمان فردوسی برتر می‌داند و معتقد است:

اگر رزم گرشاسب یادآوری

همه رزم رستم به بادآوری (همان: ۴۴)

گرشاسب‌نامه
منظومه‌ای حماسی
است که حکیم اسدی
طوسی، در آن
شرح جنگاوری‌ها
و دلاوری‌های
گرشاسب را به نظم
کشیده است

اسدی طوسی به
دلیل علاقه‌ای که به
حماسه گرشاسب
دارد، به شرح زندگی
و جنگ‌های این
قهرمان اسطوره‌ای
پرداخته است